

The investigation of the role of the evaluation of political parties and organizations in participation of Shiraz Residents in the elections


Asghar Mirfardi*
Mandana Karimi**
Korosh Esaei Khosh***

Received: 2019/03/26
Accepted: 2020/08/31

Political participation is one of important factors for achieving macro-developmental goals. More participation in elections, leads to enforcement of collective reason and, as well, to political legality improvement. The viewpoints and attitudes towards political parties are different in various settings and societies. The attitude and behavior are analyzed in relation to each other, in the social and political contexts. This study aimed to investigate the evaluation of political parties and organizations in participation of Shiraz city residents in elections. This study significance is investigating the people's attitudes towards political parties and the role of mentioned attitudes in participating of Shiraz residents in elections. Using survey method, 402 cases of 18 years and older residents of Shiraz city were selected via clustering random sampling method and investigated. Findings showed that there is significant relationship between the elements of evaluation of political parties, (including "trust to political parties and organizations(TPPO)", and "evaluation of efficiency of political parties and organizations (EPPO)") (directly), and "age"(indirectly) from one side, and "the political participation in past elections", from other side. Findings, also, showed that there is significant relationship between the elements of evaluation of political parties (directly), and "the political participation in


* Associate Professor of Sociology, Sociology and Social Planning Department, College of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, I.R.Iran (Corresponding author).

a.mirfardi@gmail.com

 0000-0002-1219-4485


** Ph.D. candidate of Political Sociology; Sociology and Social Planning Department, College of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, I.R.Iran.

Karimi.mandana67@gmail.com

 0000-0002-8350-9886

*** M.A of Sociology & High school Teacher, Shiraz, I.R.Iran.

kazemi@hotmail.com

 0000-0001-8268-946X

past elections" (indirectly) from one side, and "the probability of political participation in future elections", from other side. There is not significant relationship between age and "the probability of political participation in future elections". The multivariate regression analysis showed that independent variables could determine 40 percentages of "the probability of political participation in future elections" variances. As a result, the political participation of citizens and political party activities are interacting with each other and people's evaluation of political parties and their efficiency has important role in political participation, in particular, in the elections.

Keywords: Efficiency, Elections, Evaluation, Iran, political Participation, Political parties, Shiraz, Trust.

نقش ارزیابی از احزاب و تشکل‌های سیاسی در مشارکت ساکنان شهر شیراز در انتخابات

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰

مقاله برای بازنگری به مدت ۲۶ روز نزد نویسندگان بوده است.

اصغر میرفردی*

ماندانا کریمی**

کوروش عیسائی خوش***

چکیده

نوع نگاه به احزاب و ایستارها نسبت به آنها در موقعیت‌ها و جوامع گوناگون متفاوت است. در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی ایستار و رفتار در پیوند با یکدیگر تحلیل می‌شوند. این پژوهش در پی مطالعه نقش ارزیابی از احزاب سیاسی در میزان مشارکت ساکنان شهر شیراز در انتخابات است. روش پژوهش کمی، از نوع پیمایشی بوده و تعداد ۴۰۲ نفر از ساکنان ۱۸ سال و بالاتر شهر شیراز با نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که عناصر متغیر ارزیابی از احزاب و تشکل‌های سیاسی شامل «میزان اعتماد به احزاب و تشکل‌های سیاسی» و «ارزیابی شهروندان ساکن در شهر شیراز نسبت به کارآمدی احزاب و تشکل‌های سیاسی»، رابطه مستقیم با مشارکت در انتخابات گذشته داشتند. عناصر متغیر ارزیابی از احزاب و تشکل‌های سیاسی (به صورت مستقیم) و مشارکت در انتخابات گذشته (به صورت معکوس) با احتمال مشارکت در انتخابات آینده رابطه معنادار داشتند. متغیرهای مستقل نزدیک به ۴۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نموده‌اند. نتیجه اینکه، مشارکت سیاسی شهروندان و فعالیت حزبی در برهم‌کنش اجتماعی با یکدیگر و ارزیابی‌های مردم از احزاب و کارایی‌شان در جامعه، نقش مهمی در میزان مشارکت مردم در فعالیت‌های سیاسی و انتخابات دارد.

واژگان کلیدی: احزاب سیاسی، اعتماد، انتخابات، جمهوری اسلامی ایران، شیراز، کارآمدی، مشارکت سیاسی.


* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

amirfardi@shirazu.ac.ir

 0000-0002-1219-4485


** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، جمهوری اسلامی ایران.

Karimi.mandana67@gmail.com

 0000-0002-8350-9886

*** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی و دبیر آموزش و پرورش شیراز، شیراز، جمهوری اسلامی ایران.

kazemi@hotmail.com

 0000-0001-8268-946X

مقدمه

بیان مسئله: بهبود مشارکت در امور سیاسی جامعه، یکی از دغدغه‌های شهروندان در جوامع معاصر است. در این میان احزاب به عنوان نهادهای سیاسی مردم‌محور، مورد توجه بوده و به موضوع اصلی بسیاری از پژوهش‌ها تبدیل شده‌اند. تحقیق حاضر نیز همین مسئله را در سطح محدود به بحث گذارده است.

اهمیت: با توجه به نقش مشارکت سیاسی در تولید قدرت نرم، می‌توان اظهار داشت که این پژوهش دارای اهمیت کاربردی است. افزون بر این، اهمیت نظری نیز می‌توان برای آن برشمرد؛ چرا که ارزیابی ایستارها درباره احزاب و تشکلهای سیاسی جهت شناخت و تبیین چیستی مشارکت سیاسی شهروندان مهم می‌باشد.

ضرورت: با توجه به نوسان در میزان مشارکت سیاسی شهروندان به ویژه ساکنین مطالع حاضر ضرورت دارد. از سوی دیگر، چنین مطالعه‌ای به ارزیابی میزان اثربخشی احزاب در جهت‌دهی و ترغیب افکار عمومی به مشارکت، کمک می‌کند؛ و از این حیث دارای ضرورت اجرایی برای کشور ما است.

اهداف: هدف اصلی این پژوهش کمک به اصلاح و ارتقای الگوی مشارکت حزبی در انتخابات است. اهداف فرعی نیز عبارتند از: ارائه تصویری انتقادی از وضعیت موضوع در شهر شیراز؛ و زمینه‌سازی برای ارتقای مشارکت حزبی در انتخابات‌های آتی.

سؤال‌ها: پرسش اصلی عبارت است از: «ارزیابی از احزاب و تشکلهای سیاسی» چه تأثیری بر مشارکت ساکنان شهر شیراز در انتخابات دارد؟ در این راستا، سؤال‌های فرعی زیر مطرح شده‌اند: اعتماد ساکنان شهر شیراز به احزاب و تشکلهای سیاسی، تأثیری بر میزان مشارکت آنها در انتخابات دارد؟ میزان شرکت ساکنان شهر شیراز در انتخابات گذشته، تأثیری بر احتمال شرکت آنها در انتخابات آینده دارد؟

فرضیه‌ها: فرضیه اصلی آن است که: نوع ارزیابی از احزاب و تشکلهای سیاسی در مشارکت ساکنان شهر شیراز در انتخابات تأثیر معناداری دارد. فرضیه‌های فرعی عبارتند از: یک. ارزیابی ساکنان شهر شیراز از وضعیت کارآمدی احزاب و تشکلهای سیاسی بر میزان مشارکت آنها در انتخابات تأثیر دارد.

دو. میزان اعتماد ساکنان شهر شیراز به احزاب و تشکلهای سیاسی بر میزان مشارکت آنها

در انتخابات تأثیر دارد.

سه. میزان شرکت ساکنان شهر شیراز در انتخابات گذشته بر احتمال شرکت آنها در انتخابات آینده تأثیر دارد.

۱. پیشینه پژوهش

در زمینه مشارکت سیاسی و نقش احزاب مطالعات گوناگونی انجام شده است، اگرچه سهم احزاب در مطالعات کمتر از موضوع مشارکت سیاسی است. منابع موجود از آن حیث که به ماهیت و کارکرد احزاب می‌پردازند، به پنج گروه اصلی تقسیم می‌شوند:

۱-۱. مطالعات اولیه درباره احزاب و مشارکت سیاسی

پیشینه مطالعات درباره احزاب و نظام‌های حزبی به دهه‌های شصت و هفتاد میلادی بازمی‌گردد و می‌توان به آثار «دوورژه»^۱ (۱۹۵۴)، «میخلز»^۲ (۱۹۶۲) و «لیپست»^۳ (۱۹۶۷) اشاره داشت. در دهه ۱۹۸۰ مطالعه احزاب با تمرکز بر فهم شیوه‌های جدید نمایندگی سیاسی و فعالیت نهادهای میانجی استمرار یافت. در دهه ۱۹۹۰ متأثر از تحولات نظام بین‌الملل و هژمونی ایده دموکراسی، فعالیت احزاب در رابطه با «موج سوم دموکراتیزاسیون» مورد بررسی قرار گرفت (به نقل از: نظری، ۱۳۹۰، صص. ۷۷-۷۶).

۲-۱. مطالعه درباره نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت سیاسی

این دسته از مطالعات طیف متنوعی را شامل می‌شود و مهمترین یافته‌ها عبارتند از: یک. میان اعتماد به احزاب سیاسی و ترکیب خطی متغیرهای مستقل به اندازه ۰/۷۸ درصد هم تغییری وجود دارد (ساعی و خضری، ۱۳۹۴).

دو. اعتماد سیاسی عامل مهم برای مشارکت سیاسی دانشجویان است (مولائی، ۱۳۹۷). سه. فعالیت‌های داوطلبانه و جامعه‌پسندانه دانش‌آموزان اثرات مثبت و معناداری بر فرهنگ سیاسی دارد (Saha, 2004).

چهار. اعتماد عمومی به رسانه‌ها، تمایل مردم به تولید اخبار را تبیین می‌کند؛ و تولید اخبار توسط شهروندان، پیش‌بینی‌کننده میزان مشارکت ایشان در انتخابات است (Ardevul-Abreu; Hooker & de Zúñiga, 2017).

پنج. اعتماد به رهبران کمیته‌های محلی در چین، احتمال اعتماد به پلیس را افزایش داده است (Sun, Hu & Wu, 2012).

شش. عضویت در انجمن‌ها نقش مهمی در ارتباط و مشارکت سیاسی افراد دارد (Giugni and Grasso, 2019).

هفت. فقدان یک اپوزوسیون کارآمد و پاسخگو، ساختار عشیره‌ای، وجود شاخه نظامی و فساد سیاسی از موانع اصلی فراروی توسعه سیاسی در اقلیم کردستان عراق بوده است (جلال‌پور و حسن، ۱۳۹۶).

هشت. اعتماد به بهبود میزان مشارکت سیاسی روستائیان می‌انجامد (Bishaw, 2014).

نه. اعتماد به نهادهای سیاسی عاملی مهم در مشارکت سیاسی است (Mao, 2013).

ده. اعتماد اجتماعی بر نگرش ساکنان شهر تهران درباره توسعه سیاسی تأثیر مثبت دارد (ارسیا و ساعی، ۱۳۹۸).

یازده. کمک افراد به یکدیگر در جوامعی که از نظر رفاهی ضعیف هستند، موجب کاهش اتکا به دولت و در نتیجه بی‌اعتمادی به دولت می‌شود و این وضعیت موجب کاهش مشروعیت سیاسی می‌شود (به نقل از: ارسیا و ساعی، ۱۳۹۸، ص. ۴).

۳-۱. مطالعه درباره نقش جامعه‌پذیری در مشارکت سیاسی

نتایج مطالعه غفاری هاشجین و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد که تأثیر رشته تحصیلی بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی بیش از دانشجویان فنی، و تأثیر فضای سیاسی دانشکده بر مشارکت در دانشجویان فنی بیش از علوم سیاسی است. نیک‌پور قنوتی و همکاران (۱۳۹۱) نشان دادند که سیاسی بودن خانواده و دوستان و استفاده از رسانه‌ها با مشارکت سیاسی زنان رابطه معناداری دارند. محققان نشان داده‌اند که رفتارهای سیاسی والدین و نوجوانان در آلمان از الگوی ارتباطی بین آنها تأثیر می‌پذیرد. ارتباط میان بیگانگی سیاسی نوجوان، سبک فرزندپروری و فضای کلاسی به عنوان شاخصه‌های تعاملی شکل‌دهنده تمایلات سیاسی نوجوانان شناخته می‌شوند (Gniewosz, Noak and Buh, 2009). چنان که عوامل جامعه‌پذیری سیاسی نقش محوری در میزان مشارکت دارند (آسایش زارچی، ۱۳۸۹).

۱-۴. مطالعه درباره نقش عوامل فرهنگی در مشارکت سیاسی

نتایج پژوهش حسنی (۱۳۸۹) درباره مشارکت سیاسی و اجتماعی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران نشان‌دهنده آن است که مؤلفه‌های بیگانگی سیاسی و اجتماعی در ارتقاء یا کاهش مشارکت سیاسی و اجتماعی مؤثرند. آسایش زارچی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای نشان داده است که فرهنگ سیاسی مهمترین مؤلفه تعیین‌کننده ساختار قدرت و نیز میزان علاقمندی و یا بی‌تفاوتی نسبت به مشارکت سیاسی است که حوزه مطالعاتی آن معطوف به بررسی محتوای فرهنگی نظام‌های سیاسی و فراگردهای جامعه‌پذیری و جذب ارزش‌های سیاسی است که یکی از آنها سازگاری فرهنگ سیاسی با ارزش‌ها و سنت‌های جاری در فرهنگ ملی می‌باشد. مطالعه جلائی‌پور و حسن (۱۳۹۶) با رویکرد زمینه‌ای درباره اقلیم کردستان عراق نشان داد که احزاب سیاسی افزون بر اینکه در طول این مدت فضایی را برای توسعه سیاسی فراهم کرده‌اند، اما هنوز با بحران هویتی روبه‌رو می‌باشند. شفیع‌ی و مددلو (۱۳۹۸) در مقاله‌ای نشان دادند که از دید مردم ایران، موهبت اجتماعی «دانش» بیش از دو موهبت ثروت و خویشاوندی شایسته سلطه بر امر مشارکت سیاسی به‌عنوان جلوه اصلی حوزه سیاست است. محسنی تبریزی و رضوی آل هاشم (۱۳۸۷) نشان دادند که از نظر دانشجویان احزاب سیاسی کارکردهای مثبت و منفی در حوزه سیاسی دارند. زنان نسبت به مردان گرایش کمتری به احزاب نشان داده‌اند. فاضلی، عنایتی شبکلائی و نجف‌نژاد (۱۳۸۸) در مقاله‌ای نشان دادند که نوع نگرش افراد نسبت به احزاب تحت تأثیر ارزیابی از کارکرد آنها بوده به گونه‌ای که بیش از نیمی از پاسخگویان فعالیت احزاب را تنها پیگیری اهداف و منافع جناحی دانسته‌اند.

۱-۵. مطالعات پیرامون مشارکت سیاسی و دینداری

امام‌جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) نشان دادند که ارتباط مستقیمی بین سطح دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان وجود دارد. نیک‌پور قنواتی و همکارانش (۱۳۹۱) با بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مرتبط با مشارکت سیاسی زنان ۱۸ سال و بالاتر برازجان، نشان دادند که متغیرهایی همچون سیاسی بودن خانواده و دوستان، علاقه به برنامه‌های سیاسی، جهت‌گیری مذهبی، طبقه اجتماعی و استفاده از رسانه‌های

گروهی با مشارکت سیاسی زنان رابطه معناداری دارند. مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد مجموعه‌ای از عوامل خرد تا کلان در مشارکت سیاسی نقش دارند. در این میان ایستارها و ارزیابی شهروندان از احزاب و نهادهای سیاسی و نقش آن در مشارکت سیاسی کمتر مورد مطالعه قرار گرفته و تنها در برخی موارد، متغیر اعتماد به تنهایی بررسی شده است. نکته آخر آنکه هیچ یک از این مطالعات به بررسی شهر شیراز اختصاص نداشته است.

۲. مبانی مفهومی و نظری

۲-۱. مشارکت سیاسی

کارشناسان حوزه فرهنگ جامعه‌شناسی، مشارکت سیاسی را به شرکت در فرآیندهای سیاسی که به گزینش رهبران منجر می‌شود و سیاست عمومی را تعیین می‌کند یا بر آن اثر می‌گذارد، تعریف کرده‌اند (آبرکرامبی؛ هیل و ترنر، ۱۳۷۷، ص. ۲۸۶). همین تلقی از مشارکت سیاسی در پژوهش حاضر مدنظر باشد. از حیث نظری طیف متنوعی از نظریه‌ها را داریم: «دال»^۴ مشارکت سیاسی را بیشتر با بازخوردهای آن تحلیل نموده است. به باور وی، مواردی از قبیل اینکه: پاداش‌های ناچیز مشارکت سیاسی، نبود تفاوت بارز بین گزینه‌های انتخابی، احساس کم‌اثر بودن، این تلقی که بدون مشارکت در فعالیت سیاسی هم به شرایط مطلوب می‌شود دست یافت، از زمینه‌های کاهش مشارکت سیاسی است (دال، ۱۳۶۴، صص. ۱۴۱-۱۳۳). آلموند^۵ و وربا^۶ بر اساس میزان آگاهی شهروندان از حکومت و قدرت، میزان انتظارات شهروندان از حکومت و میزان مشارکت سیاسی شهروندان، سه‌گونه فرهنگ سیاسی کوتاه‌بینانه^۷، ذهنی و مشارکتی را معرفی نموده‌اند (See: Almond and Verba, 1980). برخی از نویسندگان مشارکت سیاسی را به چهار عامل موقعیت اجتماعی، انگیزه‌های سیاسی، ویژگی‌های شخصی و محیط سیاسی وابسته می‌دانند. از نظر ایشان محیط سیاسی مشارکتی به افزایش مشارکت سیاسی یاری می‌رساند و نگرش به اجتماعات سیاسی و همچنین ماهیت احزاب و تشکل‌های سیاسی نیز بر میزان مشارکت سیاسی اثرگذار است (راش، ۱۳۷۷، ص. ۱۳۵). در دیدگاه گزینش عقلانی استدلال می‌شود که افراد با درک شرایط سیاسی جامعه‌شان به مشارکت سیاسی پرداخته و به احزاب یا افراد خاصی رأی می‌دهند (سیدامامی، ۱۳۸۴).

۲-۲. حزب و تحزب

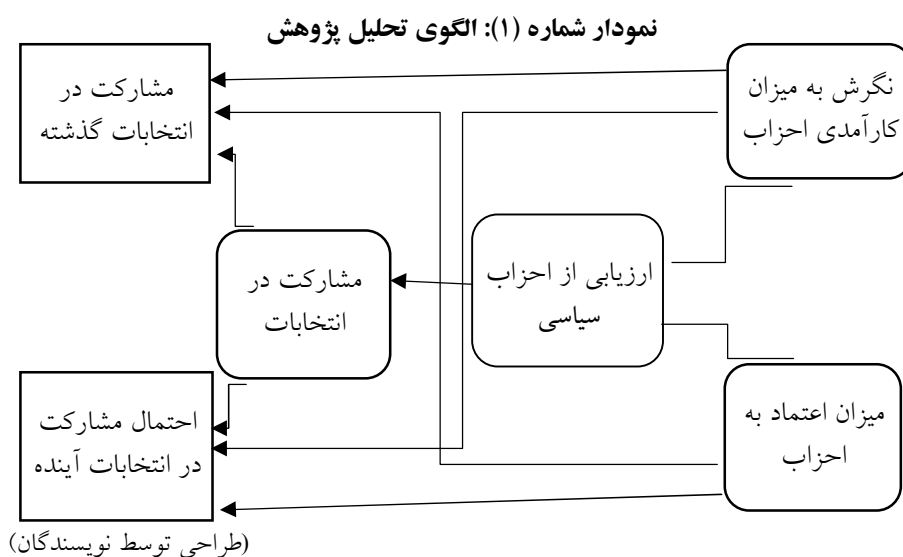
نخستین تعاریف از حزب تحت تأثیر جریان دموکراسی‌های لیبرال بود (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۵، ص. ۱۸). اما متعاقباً تعاریف کلان و فراگیری آرایه شد که رایج‌ترین آنها عبارتست از: حزب اجتماعی انسانی است که از پذیرش دکتترین سیاسی واحدی بوجود می‌آید (میشل، ۱۳۶۸، ص. ۱۸)، و کارکرد اصلی آن حضور در عرصه رقابت سیاسی است (هانتینگتون، ۱۳۷۰، ص. ۶۰۳). به همین خاطر است که محققان تأکید دارند که مهمترین کارکرد احزاب، مربوط به نقش‌آفرینی آنها در عرصه انتخابات است (Lapalombara and Anderson, 1992). احزاب از نظر نوع ارتباطشان با اصول حاکم بر نظام، به دو دسته احزاب درون نظام و ضدنظام تقسیم می‌شوند (Capoccia, 2000, p.10).

۲-۳. اعتماد

اعتماد به معنی «تعهد و پابندی افراد به ارزش‌ها و هنجارهایی است که شهروندان جامعه آنها را پذیرفته‌اند و زمینه رشد و بهبود شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را فراهم می‌سازند. اعتماد، یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است» (میرفردی و احمدی قارنائی، ۱۳۹۵، ص. ۲۸). در حد نوشتار حاضر مؤلفه‌های اصلی مربوط به اعتماد عبارتند از: یک. فرهنگ اعتماد که بر پایه پاسخگویی و تعهد است، در پیوند با نظام سیاسی دموکراتیک قرار دارد (زتومکا، ۱۳۹۰). دو. پیشرفت و ترقی زمانی میسر خواهد بود که در تعاملات اجتماعی افراد، اعتماد متقابل برقرار باشد (کلمن، ۱۳۷۷، ص. ۴۶۵). سه. جوامع مدرن به نظام‌های تخصصی اعتماد تکیه می‌کنند و این بدان معنا است که اعتماد کلید رابطه بین فرد و نظام‌های تخصصی است (گیدنز، ۱۳۸۴، ص. ۵۲). چهار. منابع اعتماد در جوامع سنتی، به میزان زیادی اهمیت خود را در جوامع جدید از دست داده‌اند. نویسندگان ارتباط ناب را منوط به اعتماد متقابل می‌دانند و معتقدند در جوامع مدرن اعتماد بین مردم کاهش یافته است (گیدنز، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۰). پنج. اعتماد، مشارکت را در زمینه‌های گوناگون سرعت بخشیده و تمایل افراد را برای همکاری با گروه‌های مختلف جامعه افزایش می‌دهد و از این حیث تأثیر مستقیم بر کمیت و کیفیت مشارکت دارد (زتومکا، ۱۳۹۰، صص. ۸۴-۸۰).

۴-۲. الگوی تحلیل

با عنایت به مبانی نظری مطرح شده الگوی تحلیلی نویسندگان به شرح نمودار زیر ارائه می‌شود. در این الگو چنین فرض شده که مشارکت سیاسی گونه‌ای از کنش اجتماعی است که در پرتو برهم‌کنش مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی و فرهنگی دچار فراز و فرود می‌شود.



۳. روش‌شناسی

مهمترین ملاحظات روش‌شناسانه پژوهش حاضر عبارتند از:

۳-۱. نوع و کاربری روش

این پژوهش، از نظر رویکرد، کمی؛ از نظر زمان، مقطعی؛ و از نظر روش، پیمایشی است. از پرسشنامه ساختمند محقق‌ساخته برای سنجش متغیرهای مشارکت در انتخابات، ارزیابی از احزاب و تشکل‌های سیاسی استفاده شده است. داده‌های پژوهش در مهر تا آذر ۱۳۹۷ گردآوری شده و جامعه آماری، شامل کلیه شهروندان ۱۸ سال و بالاتر شهر شیراز بود که دست کم در آخرین انتخابات گذشته واجد شرایط رأی دادن

بوده‌اند. تعداد افراد مورد نظر حدوداً ۱ میلیون نفر برآورد می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶). بر اساس جدول لین (Lin, 1976) و با توجه به حجم جامعه، سطح معنی‌داری، میزان همگنی و میزان خطای معنی‌داری، حجم نمونه پژوهش، ۳۸۱ مورد برآورد شده که برای افزایش دقت به ۴۰۲ مورد ارتقاء یافته است. همچنین از نمونه‌گیری تصادفی (نوع خوشه‌ای) استفاده شده و محله‌های سعدی و عادل‌آباد از منطقه پایین اقتصادی - اجتماعی، محلات شهرک گلستان، فضل‌آباد و قآنی شمالی از منطقه متوسط، محله زرهی از منطقه متوسط رو به بالا و محله‌های معالی‌آباد و ارم از منطقه بالای اقتصادی - اجتماعی انتخاب شده‌اند.

جدول شماره (۱): توزیع آماری پاسخگویان در شیراز (از نظر اقتصادی - اجتماعی)

درصد	فراوانی	محللات مورد مطالعه
۲۲/۴	۹۰	پایین
۵۷/۷	۲۳۲	متوسط
۱۹/۹	۸۰	بالا
۱۰۰	۴۰۲	جمع کل

۲-۳. شیوه سنجش متغیرها

الف. مشارکت سیاسی در انتخابات: برای سنجش این متغیر، در دو شکل «گذشته‌نگر» و «آینده‌نگر» اقدام شده است. در شکل اول، میزان مشارکت سیاسی در سطوح: شرکت در فرآیند رأی دادن، مشارکت در فعالیت‌های تبلیغاتی، پیگیری اخبار و رویدادهای مربوط به انتخابات با مقیاس اسمی (با گزینه‌های بلی و خیر) مورد ارزیابی قرار گرفته است. برای شکل دوم، همین سطوح با نگاه به آینده مورد پرسش قرار گرفته و از پاسخگویان خواسته شد تا احتمال مشارکت‌شان را بیان کنند. احتمال مشارکت در انتخابات آینده با مقیاس رتبه‌ای و طیف لیکرت سنجیده شده است.

ب. ارزیابی از احزاب و تشکل‌های سیاسی: این متغیر نیز در دو بعد مورد سنجش و تحلیل قرار گرفته است:

بعد اول. اعتماد به احزاب و فعالیت‌های سیاسی: عناصر اصلی اعتماد را صداقت،

صراحت، اطمینان، تمایلات همکاری جویانه، سهم کردن و اعتماد نهادی تشکیل می‌دهند (زتومکا، ۱۳۹۰، صص. ۸۴-۸۰). اعتماد، تمایل افراد را به همکاری با گروه‌ها افزایش، و شبکه‌ای از روابط داوطلبانه میان گروه‌ها را در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی تشکیل می‌دهد (میرفردی و احمدی قارنائی، ۱۳۹۵). در این پژوهش اعتماد به احزاب در قالب مقیاس رتبه‌ای و طیف لیکرت و با ۱۰ گویه سنجیده شده است. بعد دوم. ارزیابی میزان کارآمدی احزاب و تشکل‌های سیاسی: میزان کارآمدی احزاب به معنای میزان اثربخشی و کارایی در تحقق هدف‌ها و برنامه‌ها در جامعه است. این متغیر با استفاده از ۹ گویه دربردارنده شاخص‌های عملکردی و در قالب مقیاس رتبه‌ای و طیف لیکرت سنجیده شده است.

جدول شماره (۲): نتیجه آزمون پایایی گویه‌ها

متغیر	ابعاد	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
شرکت در انتخابات	احتمال شرکت در انتخابات آینده	۳	۰/۷۰
ارزیابی از احزاب	نگرش نسبت به میزان کارآمدی احزاب و تشکل‌های سیاسی	۹	۰/۸۶
	میزان اعتماد نسبت به احزاب و تشکل‌های سیاسی	۱۰	۰/۸۵

(منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

برای سنجش اعتبار پژوهش از اعتبار صوری^۸ و برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. از دو دسته آمارهای توصیفی (شاخص‌های مرکزی و پراکندگی) و آمارهای استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره) برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده‌اند.

۴. تحلیل یافته‌ها

۴-۱. یافته‌های توصیفی

از مجموع پاسخگویان، ۴۵/۵ درصد را زنان و ۵۳/۲ درصد را مردان تشکیل داده‌اند. در بین گروه‌های سنی، گروه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال بیشترین درصد پاسخگویان را به خود

اختصاص داده است. بیشترین درصد پاسخگویان (۵۳/۲) متأهل بوده‌اند. طبقه متوسط رو به پایین بیشترین درصد از پاسخگویان (۴۵/۲ درصد) را در مقایسه با سایر رده‌های طبقاتی به خود اختصاص داده‌اند. ۴۶ درصد از پاسخگویان، شاغل و ۱۳/۹ درصد از آنها بیکار بودند. بیشترین مشارکت سیاسی پاسخگویان در گذشته، در انتخابات ریاست جمهوری و کمترین مشارکت پاسخگویان در گذشته، در انتخابات مجلس خبرگان رهبری بوده است. به طور کلی، افراد در گذشته به ترتیب در انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس شورای اسلامی و در انتخابات خبرگان رهبری مشارکت فعال داشته‌اند. همچنین بیشترین فعالیت پاسخگویان در زمینه رأی دادن در انتخابات بوده است و کمترین فعالیت‌شان در زمینه مشارکت در فعالیت‌های تبلیغاتی در انتخابات بوده است.

جدول شماره (۳): توزیع درصدی میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان در انتخابات گذشته

نوع فعالیت	انتخابات	بلی	خبر
رأی دادن در انتخابات	انتخابات ریاست جمهوری	۷۷/۸	۲۲/۲
	انتخابات مجلس خبرگان رهبری	۴۸/۳	۵۱/۷
	انتخابات مجلس شورای اسلامی	۶۴	۳۶
پیگیری اخبار و اطلاعات	انتخابات ریاست جمهوری	۷۰/۴	۲۹/۶
	انتخابات مجلس خبرگان رهبری	۳۸/۷	۶۱/۳
	انتخابات مجلس شورای اسلامی	۵۲/۶	۴۷/۴
مشارکت در فعالیت‌های تبلیغاتی	انتخابات ریاست جمهوری	۳۰/۴	۶۹/۶
	انتخابات مجلس خبرگان رهبری	۱۵/۷	۸۴/۳
	انتخابات مجلس شورای اسلامی	۲۲/۳	۷۷/۷

(منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

داده‌های جدول زیر نشان می‌دهد که تنها میانگین میزان مشارکت پاسخگویان در انتخابات گذشته در حد متوسط بوده است و میانگین دیگر متغیرها کمتر از حد متوسط بوده‌اند. ارزیابی از احزاب و ابعاد آن شامل اعتماد به احزاب و نگرش نسبت به کارآمدی احزاب، در وضعیت بهینه‌ای نبوده‌اند. میانگین سن پاسخگویان در اندازه ۳۵ سال بوده است.

جدول شماره (۴): اطلاعات توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر	ابعاد	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
ارزیابی از احزاب و تشکل‌های سیاسی	ارزیابی از احزاب و تشکل‌های سیاسی (کل)	۳۴/۴۲	۱۴/۵۸	۱۹	۹۵
	میزان اعتماد به احزاب و تشکل‌های سیاسی	۱۶/۸۳	۷/۶۵	۱۰	۵۰
	نگرش نسبت به میزان کارآمدی احزاب و تشکل‌های سیاسی	۱۷/۴۹	۸/۶۶	۹	۴۵
میزان مشارکت در انتخابات	میزان مشارکت در انتخابات گذشته	۱۳/۸۶	۲/۷۵	۹	۱۸
	میزان احتمال مشارکت در انتخابات آینده	۶/۳۲	۳/۰۲	۳	۱۵
سن	سن	۳۵/۳۳	۱۳/۰۱	۱۸	۸۴

(یافته‌های پژوهش حاضر)

۴-۲. یافته‌های تحلیلی

الف. بین ارزیابی از احزاب و مشارکت سیاسی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد. ابعاد متغیر ارزیابی از احزاب، «نگرش نسبت به کارآمدی احزاب» و «میزان اعتماد نسبت به احزاب» بودند. متغیر ارزیابی از احزاب و تشکل‌های سیاسی (کل) با مشارکت در انتخابات گذشته رابطه معناداری (معکوس) و با احتمال مشارکت در انتخابات آینده دارای رابطه معناداری (مستقیم) است. آزمون همبستگی ابعاد متغیر ارزیابی نشان می‌دهد که با توجه به آمارهای موجود در جدول شماره ۵، ضریب پیرسون بدست آمده برای بعد کارآمدی احزاب در رابطه با میزان مشارکت سیاسی در انتخابات گذشته برابر

با $r = -0/268$ و با سطح معناداری $Sig = 0/000$ بیانگر وجود رابطه معکوس و معنادار بین دو متغیر می باشد. نتایج نشان می دهد با بالا رفتن میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان در انتخابات گذشته، نمره آنها از ارزیابی نسبت به میزان کارآمدی احزاب کمتر می شود. این وضعیت نشان دهنده فاصله بین وضعیت مشارکت در انتخابات گذشته و ارزیابی پس از انتخابات از احزاب و تشکل‌های سیاسی است، که با سطح مورد انتظار فاصله دارد. ضریب پیرسون بدست آمده برای بعد کارآمدی احزاب در رابطه با احتمال مشارکت سیاسی در انتخابات آینده برابر با $r = 0/393$ و با سطح معناداری $Sig = 0/000$ بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار بین دو متغیر می باشد. تحلیل رگرسیون (جدول ۶) نیز نشان داد که این متغیر با مقدار بتای $0/176$ به عنوان سومین متغیر وارد معادله شده است. با بالا رفتن نمره ارزیابی از میزان کارآمدی احزاب، احتمال مشارکت سیاسی پاسخگویان در انتخابات آینده بیشتر می شود. با توجه به آمارهای موجود در جدول شماره ۵، ضریب پیرسون بدست آمده برای بعد میزان اعتماد نسبت به احزاب در رابطه با میزان مشارکت سیاسی در انتخابات گذشته برابر با $r = -0/362$ و با سطح معناداری $Sig = 0/000$ بیانگر وجود رابطه معکوس و معنادار بین دو متغیر است. با بالا رفتن میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان در انتخابات گذشته، از میزان اعتماد آنها به احزاب کمتر می شود. ضریب پیرسون بدست آمده برای بعد اعتماد نسبت به احزاب در رابطه با احتمال مشارکت سیاسی در انتخابات آینده برابر با $r = 0/475$ و با سطح معناداری $Sig = 0/000$ بیانگر وجود رابطه معنادار بین دو متغیر است. تحلیل رگرسیون (جدول ۶) نیز نشان داد که این بعد با مقدار بتای $0/287$ به عنوان نخستین متغیر وارد معادله شده است. با بالا رفتن اعتماد نسبت به احزاب، احتمال مشارکت سیاسی پاسخگویان در انتخابات آینده بیشتر می شود. نتایج تحلیل نشان داد که ایستار و ارزیابی شهروندان درباره احزاب سیاسی در مشارکت سیاسی آنها نقش مهمی دارد.

ب. بین سن و مشارکت سیاسی شهروندان در انتخابات رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به آمارهای موجود در جدول شماره ۵، ضریب پیرسون بدست آمده برای متغیر سن در رابطه با مشارکت سیاسی در انتخابات گذشته برابر با $r = -0/120$ و با سطح معناداری $Sig = 0/014$ بیانگر وجود رابطه بین دو متغیر در آستانه معناداری ۹۵ درصد

می‌باشد، به گونه‌ای که با بالا رفتن سن، مشارکت در انتخابات گذشته (پیش از گردآوری داده‌ها) کمتر شده بود. ضریب پیرسون بدست آمده برای متغیر سن در رابطه با احتمال مشارکت سیاسی در آینده برابر با $r = 0/023$ با سطح معناداری $Sig = 0/330$ بیانگر نبود وجود رابطه بین دو متغیر می‌باشد. این متغیر در تحلیل رگرسیون چند متغیره (جدول شماره ۶) وارد معادله نشده است. تفاوتی بین سنین مختلف از نظر احتمال شرکت در انتخابات آینده وجود ندارد.

پ. بین میزان شرکت در انتخابات گذشته و احتمال مشارکت سیاسی شهروندان در انتخابات آینده، رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به آمارهای موجود در جدول شماره ۵، ضریب پیرسون بدست آمده نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی در انتخابات گذشته با احتمال مشارکت سیاسی در آینده ($r = -0/497$ با سطح معناداری $Sig = 0/000$) رابطه معکوس و معنادار است، هر چه مشارکت در انتخابات گذشته بیشتر بوده، احتمال مشارکت در انتخابات آینده بیشتر شده است. به بیان دیگر، بخش قابل توجهی از پاسخگویانی که در انتخابات آینده شرکت نخواهند کرد، در انتخابات گذشته شرکت کرده بودند. تحلیل رگرسیون (جدول شماره ۶) نیز نشان داد که این متغیر با مقدار بتای $-0/347$ به عنوان دومین متغیر، وارد معادله شده است. با بالا رفتن میزان مشارکت در انتخابات گذشته، میزان احتمال مشارکت در انتخابات آینده کاهش می‌یابد.

جدول شماره (۵): اطلاعات تحلیلی آزمون رابطه متغیرهای مستقل و وابسته

نتیجه آزمون	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	تعداد پاسخگو	متغیرها و ابعاد
تأیید	0/000	-0/360	313	ارزیابی از احزاب و تشکل‌های سیاسی (کل)/میزان مشارکت در انتخابات گذشته
تأیید	0/000	0/486	341	ارزیابی از احزاب و تشکل‌های سیاسی (کل)/میزان احتمال مشارکت در انتخابات آینده
تأیید	0/000	-0/362	331	میزان اعتماد به احزاب و تشکل‌های سیاسی / میزان مشارکت در انتخابات گذشته
تأیید	0/000	0/475	364	میزان اعتماد به احزاب و تشکل‌های سیاسی / میزان

متغیرها و ابعاد	تعداد پاسخگو	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
احتمال مشارکت در انتخابات آینده				
نگرش نسبت به میزان کارآمدی احزاب و تشکل‌های سیاسی / میزان مشارکت در انتخابات گذشته	۳۳۲	-۰/۲۶۸	۰/۰۰۰	تأیید
نگرش نسبت به میزان کارآمدی احزاب و تشکل‌های سیاسی / میزان احتمال مشارکت در انتخابات آینده	۳۶۵	۰/۳۹۳	۰/۰۰۰	تأیید
سن پاسخگویان / میزان مشارکت در انتخابات گذشته	۳۳۷	-۰/۱۲۰	۰/۰۱۴	تأیید
سن پاسخگویان / میزان احتمال مشارکت در انتخابات آینده	۳۷۲	۰/۰۲۳	۰/۳۲۸	رد
میزان مشارکت در انتخابات گذشته / میزان احتمال مشارکت در انتخابات آینده	۳۵۲	-۰/۴۹۷	۰/۰۰۰	تأیید

دو بعد متغیر ارزیابی از احزاب و میزان مشارکت در انتخابات گذشته نزدیک به ۴۰ درصد از تغییرات متغیر میزان احتمال مشارکت در انتخابات آینده را تبیین می‌کنند. البته بعد اول، اثر معکوسی بر احتمال مشارکت در انتخابات آینده داشته است.

جدول شماره (۶): تحلیل رگرسیون چندمتغیره احتمال مشارکت

در انتخابات آینده به شیوه گام به گام

مرحله	نام متغیر	B	Beta	T	Sig.	R	R2
۱	میزان اعتماد به احزاب و تشکل‌های سیاسی	۰/۱۱۴	۰/۲۸۷	۵/۰۲۴	۰/۰۰۰	۰/۵۱۶	۰/۲۶۷
۲	میزان مشارکت در انتخابات گذشته	-۰/۳۸۶	-۰/۳۴۰	-۶/۹۶۴	۰/۰۰۰	۰/۶۱۲	۰/۳۷۵
۳	نگرش نسبت به میزان کارآمدی احزاب و تشکل‌های سیاسی	۰/۰۶۲	۰/۱۷۶	۳/۱۸۳	۰/۰۰۲	۰/۶۲۹	۰/۳۹۵

(منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

۴-۳. یافته‌های استنباطی

این پژوهش بر آن بود تا تأثیر ارزیابی شهروندان از احزاب بر مشارکت سیاسی آنها در انتخابات را مورد تحلیل قرار دهد. نتایج نشان داد ارزیابی خوشبینانه از میزان کارآمدی احزاب و اعتماد بالا به آنها، منجر به افزایش احتمال مشارکت سیاسی پاسخگویان در انتخابات آینده می‌شود. رابطه معکوس و معناداری بین دو متغیر مشارکت در انتخابات گذشته و دو بعد ارزیابی از احزاب (اعتماد به احزاب و کارایی آنها) وجود دارد. ارزیابی شهروندان از کارایی احزاب و تشکل‌های سیاسی و اعتماد به آنها نقش مهمی در افزایش انگیزه آنها برای مشارکت سیاسی دارد. با توجه به اینکه احزاب و تشکل‌های سیاسی با طرح برنامه‌ها و آرمان‌هایی شهروندان را به شرکت در انتخابات دعوت می‌کنند، کارآمد نبودن احزاب راه‌یافته به جایگاه‌های سیاسی و در نتیجه بی‌اعتمادی به آنها می‌تواند زمینه کاهش انگیزه شهروندان برای شرکت در انتخابات و یا حمایت از آن احزاب و تشکل‌های سیاسی را فراهم سازد. رابطه معکوس و معنادار بین دو متغیر مشارکت در انتخابات گذشته و ابعاد ارزیابی از احزاب نشانگر گونه‌ای از تغییر باور نسبت به احزاب و عملکرد آنها در بازه زمانی انتخابات پیش از گردآوری داده‌ها تا زمان گردآوری داده‌ها - پاییز ۱۳۹۷ - است. به بیان دیگر، بخش زیادی از کسانی که در انتخابات برگزار شده در بازه زمانی پیش از این مطالعه شرکت کرده بودند، در بازه زمانی بیش از یک سال پس از آخرین انتخابات، نسبت به احزاب و تشکل‌های سیاسی نگرش خوشبینانه‌ای نداشتند. نتایج این مطالعه با نتایج مطالعه فاضلی و همکاران (۱۳۸۸)، محسنی تبریزی و رضوی آل‌هاشم (۱۳۸۷)، جلانی‌پور و حسن (۱۳۹۶)، ساعی و خضری (۱۳۹۴)، مولائی (۱۳۹۷)، ارسیا و ساعی (۱۳۹۸)، سان و همکاران (۲۰۱۲)، آردول-ابریو و همکاران (۲۰۱۷) و مولایی (۱۳۹۷)، ساها (۲۰۰۴)، بیشاو (۲۰۱۴) و مائو (۲۰۱۳) که بر تأثیر سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و یا باورهای فرهنگی بر فرهنگ و مشارکت سیاسی تأکید کرده‌اند، همخوانی دارد. چنین یافته‌ای همراستا با نظریه‌های چارچوبی پژوهش از جمله دیدگاه‌های میلبرات و گوئل (راش، ۱۳۷۷)، دال (۱۳۶۴)، آلموند و وربا (۱۹۸۰)، نظریه هانتینگتون، زتومکا و دیدگاه گزینش عقلانی است که اعتماد به احزاب و کارآمدی آنها را عوامل مهمی در مشارکت سیاسی می‌دانند. تفاوتی بین سنین مختلف از نظر احتمال شرکت در انتخابات

آینده وجود ندارد. حتی در تحلیل رگرسیونی نیز متغیر سن وارد معادله نشده است. این یافته با نتیجه مطالعه نیک‌پور قنواتی و همکاران (۱۳۹۱) همخوانی دارد. این وضعیت نشانگر وجود زمینه‌های دیگر - غیر از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی - تأثیرگذار بر رفتار سیاسی و به ویژه مشارکت مردم در انتخابات است. مشارکت نمودن و یا مشارکت نمودن شهروندان تا اندازه زیادی بازتابی از ارزیابی و داوری آنها درباره عملکرد نخبگان و جریان‌های سیاسی است.

نتیجه‌گیری

مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها به اهمیت کارآمدی احزاب و اعتماد شهروندان به آنها برای مشارکت سیاسی پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به دیدگاه هانتینگتون، زتومکا، میلبرات و گوئل، دال، آلموند و وربا و دیدگاه‌های گزینش عقلانی اشاره نمود. بر پایه این دیدگاه‌ها، چگونگی شکل‌گیری احزاب، ماهیت فعالیت آنها و ارزیابی مردم از آنها ویژگی‌هایی است که هم در گسترش فعالیت حزبی و هم در مشارکت سیاسی نقش‌آفرین‌اند. نتایج این مطالعه، که با بهره‌گیری از این دیدگاه‌ها انجام شد، نشان داد که احزاب، فعالیت حزبی و مشارکت سیاسی مؤلفه‌های ساده و مکانیکی نیستند که تنها با نمودار بیرونی آنها در جامعه، بتوان به پیش‌بینی برهم‌کنشی احزاب و مردم در زمینه مشارکت سیاسی پرداخت. احزاب تنها با داشتن تابلو و مجوز فعالیت حزبی نمی‌توانند نقش مؤثری در رونق‌بخشی و جهت‌دهی به مشارکت سیاسی شهروندان داشته باشند، همان‌گونه که هانتینگتون سازماندهی حزبی را عنصری لازم ولی ناکافی برای مشارکت سیاسی می‌داند. همان‌گونه که هانتینگتون بیان داشته است؛ احزابی که از بدنه اجتماعی برمی‌خیزند و زمینه مردمی (با ماهیت فعالیت داوطلبانه) دارند، از بخت اثرگذاری بیشتری برخوردارند. در این میان، اهداف سیاسی احزاب در پیگیری موضوعات سیاسی و همچنین مشارکت سیاسی نقش مهمی دارند؛ اینکه احزاب و شهروندان رویکرد بلندمدت و جامعه‌محور دارند و یا اینکه تنها در پی اهداف و منافع فردی و گروهی‌اند، تأثیری میان‌مدت و بلندمدت در فراز و فرود فعالیت حزبی و نقش‌آفرینی احزاب برای جهت‌دهی و ترغیب افکار عمومی به مشارکت سیاسی دارند.

احزاب و جریان‌های سیاسی که اهداف فردی و گروهی، سوای اهداف عمومی

جامعه، دارند، ممکن است در یک بازه زمانی کوتاه بتوانند با بهره‌گیری از ادبیات احساسی و یا پوپولیستی به بهانه بهبود شرایط جامعه به ترغیب شهروندان برای مشارکت سیاسی و جذب آرای آنها پردازند، اما در میان‌مدت و بلندمدت و پس از ارزیابی کارآمدی و مقایسه کردارهای آنها با برنامه‌های از پیش اعلام‌شده‌شان از سوی شهروندان، ضمن از دست دادن جایگاه خود؛ شهروندان را نیز نسبت به مشارکت سیاسی در آینده دچار تردید می‌سازند؛ همانگونه که زتومکا اعتماد را عنصری محوری برای نظام سیاسی دموکراتیک دانسته است. شهروندان نیز بر حسب بینش و اهدافی که در زمینه مشارکت سیاسی دارند، همگون نیستند و شهروندانی که سطحی‌نگر و احساسی‌اند، ممکن است بیش از شهروندان ژرف‌نگر و دارای بینش تحلیلی، تحت تأثیر مواضع احساسی و گاه‌به‌گاهی برخی احزاب و جریان‌های سیاسی - که بدنه اجتماعی واقعی ندارند - قرار بگیرند.

شهروندان آگاه بیش از شهروندان با سطح آگاهی پایین به ارزیابی احزاب و بازخورد حضور و یا عدم حضور آنها در ساختار قدرت - در فرآیند انتخابات - پرداخته و به تداوم یا قطع حمایت خود از آنها می‌پردازند. میدان و شرایط فعالیت حزبی در زمینه تأثیر احزاب در مشارکت سیاسی اهمیت محوری دارد. با وجود فضای قانونمند و باز فعالیت حزبی، «احزاب و تشکل‌های سیاسی با کارکرد کوتاه‌مدت در بازه انتخاباتی» که می‌توان آنها را «احزاب و جریان‌های موسمی» نامید، دیگر جلوه بروز نخواهند یافت. چنین احزابی تنها در بازه زمانی انتخابات و برای هدف انتخاباتی حضور و فعالیت دارند و با رهاسازی مردم و بی‌توجهی به برنامه‌های پیشنهادی‌شان در انتخابات‌های گذشته، موجب رویگردانی شهروندان از احزاب و مشارکت سیاسی می‌شوند؛ زیرا آنها در ارزیابی خود، مشارکت‌شان در انتخابات را در روند اداره و بهبود شرایط جامعه کم‌اثر و یا بی‌اثر ارزیابی می‌کنند. ابعاد تحلیلی نقش ارزیابی از احزاب در مشارکت سیاسی در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول شماره (۷): ابعاد تحلیلی نقش ارزیابی از احزاب

در مشارکت سیاسی شهروندان در انتخابات

ملاک‌ها	ابعاد ملاک‌ها	اثربخشی در مشارکت سیاسی در کوتاه‌مدت	اثربخشی در مشارکت سیاسی در میان‌مدت و بلندمدت
ارزیابی از احزاب	کارآمد و مورد اعتماد	خیر / احتمالاً	بلی
	ناکارآمد و غیرقابل اعتماد	بلی / احتمالاً	خیر
ماهیت احزاب	ژرف‌نگر و جامعه‌محور با بدنه اجتماعی	خیر / احتمالاً	بلی
	سطحی‌نگر و منفعت‌محور بدون بدنه اجتماعی	بلی / احتمالاً	خیر
اهداف احزاب	دستیابی به اهداف عمومی جامعه	خیر	بلی
	دستیابی و حفظ قدرت	بلی / احتمالاً	خیر
گونه مشارکت سیاسی	هدفمند و آگاهانه	خیر / احتمالاً	بلی
	سطحی و احساسی	بلی / احتمالاً	خیر

(منبع: استنباط از یافته‌های پژوهش حاضر)

شرکت در انتخابات به عنوان یک کنش سیاسی و اجتماعی تا اندازه زیادی وابسته به نوع ایستارها و باورهای شهروندان درباره احزاب و تشکل‌های سیاسی است. میزان اجرای برنامه‌ها و تحقق اهداف مطرح شده از جمله ملاک‌های ارزیابی عملکرد سیاستمداران انتخاب شده و اعتماد به آنها در جامعه است. در کشورهای جهان سوم که احزاب از وضعیت نهادینه‌شده‌ای برخوردار نیستند و در هنگامه انتخابات نوعی از سیالیت در جهت‌گیری‌ها وجود دارد، معمولاً هماهنگی و ثبات زیادی در برنامه‌های پیشنهادی و عملکرد نامزدها وجود ندارد. نتیجه اینکه، مشارکت سیاسی شهروندان و فعالیت حزبی در برهم‌کنش اجتماعی با یکدیگر هستند و در این برهم‌کنشی؛ ارزیابی‌های مردم از احزاب و کارایی‌شان در جامعه، نقش مهمی در میزان مشارکت مردم در فعالیت‌های سیاسی و انتخابات دارد. ماهیت احزاب، شیوه شکل‌گیری و فعالیت آنها، گستره و دامنه فعالیت سیاسی‌شان و جایگاهی که در جامعه دارند؛ از

ویژگی‌هایی است که می‌توانند در نقش‌آفرینی آنها در مشارکت سیاسی نقش داشته باشند و ضرورت دارد در مطالعات جداگانه‌ای مورد پژوهش قرار گیرند. با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود میزان کارآمدی احزاب و تشکل‌های سیاسی و دلایل ناکارآمدی احزاب مورد پژوهش قرار گیرند و احزاب، به اعتماد شهروندان به عنوان عنصر مهمی در مشارکت سیاسی توجه نمایند.

یادداشت‌ها

1. Maurice Duverger
2. Robert Michels
3. Seymour Martin Lipset
4. Robert Alan Dall
5. Gabreil Almond
6. Sidney Verba
7. Parochial
8. Face validity

کتابنامه

- آبرکرامبی، نیکلاس؛ هیل، استفن و ترنر، برایان اس (۱۳۷۷). فرهنگ جامعه‌شناسی (حسن پویان، مترجم). تهران: چاپخش.
- آسایش زارچی، محمدجواد (۱۳۸۹) «زمینه‌های فرهنگی مشارکت سیاسی»، مدیریت فرهنگی. ۴(۹)، ۱۳-۱.
- ارسیا، بابک و ساعی، احمد (۱۳۹۸). «تأثیر سرمایه اجتماعی دولت بر توسعه سیاسی از دیدگاه شهروندان تهرانی»، دانش سیاسی. ۱۵(۱)، ۱-۲۸.
- امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد؛ محموداوغلی، رضا و عیسی‌نژاد، امید (۱۳۸۹). «بررسی رابطه میان دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان»، پژوهشنامه علوم سیاسی. ۶(۱)، ۳۴-۷.
- جلائی‌پور، حمیدرضا و حسن، بارزان (۱۳۹۶). «بررسی نقش احزاب در فرآیند توسعه سیاسی اقلیم کردستان عراق بعد از سال ۱۹۹۱»، نشریه آفاق علوم انسانی. ۹، ۴۹-۷۲.
- حسینی، قاسم (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه بیگانگی سیاسی و اجتماعی با مشارکت سیاسی و اجتماعی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران در سال‌های ۸۶-۸۷»، فصلنامه علوم اجتماعی. ۱۷(۵۰)، ۱۲۹-۱۷۰.

- دال، رابرت (۱۳۶۴). *تجزیه و تحلیل سیاست* (حسین مظفریان، مترجم). تهران: مظفریان.
- راش، مایکل (۱۳۷۷). *جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی* (منوچهر صبوری، مترجم). تهران: سمت. چاپ نخست.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۹۰). *نظریه جامعه‌شناختی اعتماد* (غلامرضا غفاری، مترجم). تهران: شیرازه.
- ساعی، علی و خضری، فرشید (۱۳۹۴). «اعتماد به احزاب سیاسی، مطالعه‌ای درباره دانشجویان دکتری دانشگاه تربیت مدرس»، *مطالعات اجتماعی ایران*. ۹(۲)، ۱۰۸-۱۳۴.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۴). *سنجش اشکال و سطوح مشارکت سیاسی*. تهران: سازمان ملی جوانان.
- شفیعی، محمود و مددلو، رامین (۱۳۹۸). «ادراک از عدالت در مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: منصب ریاست جمهوری در جمهوری اسلامی ایران)»، *دانش سیاسی*. ۱۵(۱)، ۱۴۹-۱۷۲.
- غفاری هشجین، زاهد؛ بیگی‌نیا، عبدالرضا و تصمیم‌قطعی، اکرم (۱۳۸۹). «عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران»، *دانش سیاسی*. ۶(۲)، ۲۰۷-۲۴۰.
- فاضلی، اشرف‌السادات؛ عنایتی شبکلابی، علی و نجف‌نژاد، مهدی (۱۳۸۸). «بررسی نگرش مردم نسبت به احزاب سیاسی در ایران»، *پژوهش‌های ارتباطی*. ۱۶(۱)، ۱۳۵-۱۳۵.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی* (منوچهر صبوری، مترجم). تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). *چشم‌اندازهای جهانی* (حمیدرضا جلالی‌پور، مترجم). تهران: انتشارات طرح نو.
- محسنی تبریزی، منوچهر و رضوی آل‌هاشم، بهزاد (۱۳۸۷). «بررسی نگرش دانشجویان درباره احزاب سیاسی به مثابه سازمان‌های پیکار»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*. ۲۹(۱)، ۱۷۵-۱۹۴.
- مدیرشانه‌چی، محسن (۱۳۷۵). *احزاب سیاسی ایران: با مطالعه موردی نیروی سوم و جامعه سوسیالیست‌ها*. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- مولائی، محمدرضا (۱۳۹۷). «نقش دانش و اعتماد سیاسی در پیش‌بینی علاقه‌مندی دانشجویان به مشارکت سیاسی»، *دانش سیاسی*. ۱۴(۱)، ۱۶۳-۱۴۱.
- میرفردی، اصغر و احمدی قارنائی، حکیم (۱۳۹۵). «بررسی رابطه گرایش دیگرخواهانه و اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی؛ مورد مطالعه ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر یاسوج»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*. ۲۷(۴)، ۲۷-۴۶.

میشل، روبرت (۱۳۶۸). احزاب سیاسی. با مقدمه سیمور مارتین لیپست (حسن پویان، مترجم). تهران: مؤسسه چاپخس.

نظری، علی اشرف (۱۳۹۰). «احزاب سیاسی و هویت ملی؛ تأملی در کارکردها و چشم‌اندازها»، فصلنامه مطالعات امنیت ملی، ۱۲(۱)، ۹۸-۹۳.

هانینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). سازمان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: نشر علم.

- Almond, G. A. and Verba, S. (eds.) (1980). *The Civic Culture Revisited*, Little Brown.
- Ardèvol-Abreu, A.; Hooker, C. M.; de Zúñiga, H. G. (2017). "Online new creation, trust in the media, and political participation: Direct and moderating effects over time", *Journalism*, 19(5), 611-631. <https://doi.org/10.1177/1464884917700447>.
- Bishaw, A., (2014), The impact of education on rural women's participation in political and economic activities, *International Journal of Educational Administration and Policy Studies*, 6(2), 23-31.
- Capoccia, G. (2000). "Anti-system parties: A conceptual reassessment", *Journal of Theoretical Politics*, 14(1): 9-35.
- Gniewosz, B.; Noack, P.; Buhl, M. (2009). "Political alienation in adolescence: Associations with parental role models, parenting styles, and classroom climate" *German International Journal of Behavioral Development*, 33 (4), 337-346.
- Lapalombara, J. & Anderson, J. (1992). *Political Parties*, in *Encyclopedia of Government and Politics*. London: Rutledge.
- Lin, N. (1976). *The Foundations of Social Research*. New York: Mc-Graw Hill.
- Lipset, S. M. (1963). *Political Man: The Social Bases of Politics*, New York: Anchor Books.
- Mao, Z., (2013), Empirical analysis of rural citizens' political participation in the underdeveloped regions of Chinese Eastern Provinces, *Asian Social Science*, 6(5), 160-164.
- Saha, L. J. (2004). "Prosocial Behaviour and Political Culture among Australian Secondary School Students", *International Education Journal*, 5(1), 9-25.
- Sun, I.; Hu, R.; Wu, Y. (2012). Social capital, political participation, and trust in the police in urban China, *Australian & New Zealand Journal of Criminology*, 45(1), 87-105. <https://doi.org/10.1177/0004865811431329>.